



بهنام آزاد  
behnam\_azad@yahoo.com

## عید واقعی مردم ایران

دیشب رفتم سراغ خاطراتم، خاطراتی بسیار دور آنقدر دور که غبار، اجازه دیدنش را نمی داد. خاطراتی که دیگر شبیه افسانه شده، آنروزها برایم اسفند معنای دیگری داشت، بوی دیگری، بوی تازه شدن، شور دوباره زندگی، شوق آتش بازی در چهارشنبه سوری، بیتابی برای پوشیدن لباس نولحظه شماری برای رسیدن تعطیلی مدرسه، اشتیاق عید دیدنی و دیدن کسانی که دوستانشان داشتیم، عیدی گرفتن. همه چیز برایم زیبا بود. ولی حالا همه این خاطرات آنقدر کم رنگ شده است که نمی دانم آن همه احساس را خواب دیدم و یا واقعیت داشت.

دیگر عید برای مردم جذابیت سابق را ندارد. با شنیدن کلمه نوروز، ناخودآگاه گرانی در اذهان تداعی می شود. هر سال با نزدیک شدن به عید معمولاً اجناس گران تر می شد. ولی گرانی امسال حکایتی دیگر است. درآمد کارگران و کارمندان به هیچ عنوان با هزینه هایشان هم خوانی ندارد. مخصوصاً در چند ماه اخیر، بین دخل و خرج مردم شکافی اعظیم بوجود آمده است. يك کارگر با حقوق بین چهارصد تا ششصد هزار تومان، (که نصف بیشتر آن را باید بابت اجار بها خانه بدهد) چگونه می تواند

ادامه در صفحه ۱۲

## پیام به شهناز مرتب مسئول فدراسیون در آلمان و مسعود حسین زاده و پناهجویان متحصن در ورتسبرگ



عبدالله اسدی  
asadiabe@gmail.com



شهناز مرتب

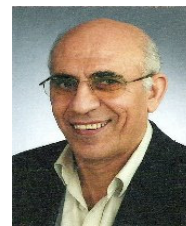


حسن حسین زاده

و همه ما را متاثر کرد. با این وجود دولت محلی ایالت بایرن از تحصن و اقدام مبارزاتی شما عصبانیتند و حاضر نیستند به پذیرند که پناهجویان هم انسان هستند و باید مثل انسان از حق زندگی و امنیت و رفاه و آسایش برخوردار باشند. واقعه دردناک خودکشی محمد رهسپار حتی باعث نشد دولت آلمان واکنشی نسبت به سیاست سخت پناهنده پذیری خود نشان دهد تا ببینند ادامه در صفحه ۱۲

دوستان عزیز: حرکت شما در دفاع از حقوق پناهجویان در آلمان بسیار مهم و تعیین کننده است. شما در کشوری و در منطقه ای از آلمان این مبارزه را شروع کرده اید که پناهجویان را همیشه در بدترین و طولانی ترین شرایط زندگی بدون اقامت نگاه داشته اند. شرایط سختی که محمد رهسپار را در ادامه زندگی به بن بست رساند و در اثر آن جان خود را از دست داد. محمد رهسپار به سادگی قربانی سیاست غیر انسانی پناهندگی آلمان شد

## تظاهراتی بزرگ بنفع پناهندگان به وسعت پنج شهر بزرگ آلمان



محمد امین کمانگر

عوض شود، این اثبات کننده این است که جنب و جوش دیگری به وسعت جهان به نفع انسانیت شروع شده است و پرچمش امروز در ۵ شهر بزرگ آلمان به پا شد. امروز شعارها بنفع پناهجویان و علیه اخراج داده می شد. اعلام می کردند که حقوق بشر شامل همه انسانها است. در این جهان کسی غیر قانونی نیست. همه حق دارند زندگی کنند. در آلمان باید هر چه زود تر جلوی اخراج پناهجویان گرفته شود و بسیاری از شعارهای دیگر. شهر

ادامه در صفحه ۵

روز جمعه ۳۰ مارس ۲۰۱۲ به دعوت چندین سازمان و تشکل مدافع پناهندگی در آلمان به اعتراض اخراجی که تا کنون شده، و هم چنان ادامه دارد، همزمان در این روز شهرهای برلین، فرانکفورت، دوسلدرف، هامبورگ، منشن، صحنه تجمع و اعتراض انسانهای شریفی بود که پرچم انسان و انسانیت را بر افراشته اند و نگران آینده هموطنانشان هستند، و مدعی اند که دوران سیاهی بشریت باید به پایان رسد و چهره جهان بنفع انسانیت

## خوب است که همه از چگونگی دیپورت هوشمند به ایران مطلع شوند!

علیرغم تلاش زیاد فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و صلیب سرخ سوئد و سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بیمرز و خانواده و دوستانش، متأسفانه هوشمند به ایران دیپورت شد. پلیس سوئد به او گفته بود روز جمعه ساعت ۱۲ آماده باشد تا به فرودگاه انتقال یابد. از آنجائیکه ما با تاکتیک پلیس آشنا بودیم و میدانستیم که ممکن است زودتر از وقتی که به وی اعلام کرده اند او را به فرودگاه انتقال دهند؛ برای همان روز ساعت ۹ صبح یعنی ۳ ساعت قبل از ساعتی که پلیس اعلام کرده بود اعلام تظاهرات کردیم.

بازداشتگاهی که هوشمند در آن بازداشت بود خارج از شهر گوتنبرگ قرار دارد. همه کسانی که برای ممانعت از دیپورت وی میامدند در راه بودند؛ هوشمند تماس گرفت و گفت آمده اند دنبالم و دارند من را به فرودگاه میبرند. ساعت ۸ صبح او را از بازداشتگاه خارج کردند. همه به طرف فرودگاه حرکت کردیم. ساعت ۹ در فرودگاه در طبقه بالا مقابل در پاس کنترل، باندرولها و عکسهای هوشمند را در دست گرفتیم و دست به اعتراض زدیم.

مدام با دادگاه مهاجرت در ارتباط بودیم و از آنها میخواستیم حکم اخراج وی را متوقف کنند. لحن دادگاه مثبت به نظر میرسید حتی مسئول پرونده هوشمند گفت که تا لحظاتی دیگر حکم اخراج وی را متوقف میکنیم. هر کاری که به عقلمان می رسید انجام میدادیم و هر تجربه ای داشتیم به کار می گرفتیم. دادگاه به ما اعلام کرد که پرواز هوشمند ساعت ۲:۳۰ ادامه در صفحه ۶

## دومین تظاهرات بزرگ مردم ورتسبورگ در حمایت از پناهجویان ایرانی

شهناز مرتب همچنین از پناهجویان خواست به اعتصاب غذای خود پایان دهند. بدنبال این تظاهرات از طرف صلیب سرخ چادر بزرگی با امکانات بیشتر تخت بخاری های برقی وسائل و همبستگی عمیق انسانی را علیه دولت آلمان به نمایش گذاشته است. هرروز ابعاد این حمایت ها گسترده تر میشود و مردم بیشتری با مراجعه به چادر متحصنین، کمک مالی، امضای پتیشن و شرکت در تظاهرات و به اشکال دیگر، پناهجویان را مورد حمایت قرار میدهند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان

آدرس های تماس:

شهناز مرتب، دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان:  
۰۰۴۹۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶

حسن حسین زاده، سخنگوی اعتراض پناهجویان ورتسبورگ

۰۰۴۹۱۷۶۷۷۰۰۹۰۹۲



تجهیزات خواب نصب شد. لازم به یادآوری است که روز ۲۵ مارس نیز تظاهراتی با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر از مردم این شهر به فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در این شهر برگزار شد. حمایت مردم ورتسبورگ از پناهجویان صحنه هائی از یک

آزاده ورتسبورگ نمیتوانست ادامه یابد. سپس شهناز مرتب دبیر فدراسیون واحد آلمان ضمن قدردانی از حمایت بی دریغ مردم ورتسبورگ از پناهجویان ایرانی تاکید کرد که مبارزه پناهجویان تا رسیدن به مطالباتشان ادامه خواهد داشت.

نفر از مردمی که شاهد این تظاهرات بودند می ایستادند و با این تظاهرات ابراز همبستگی میکردند.

تظاهرات کنندگان سپس در محل چادر متحصنین جمع شدند و به صحنه های سخنرانان گوش دادند. تعدادی از فعالین ۹۹ درصدیها در سخنرانی های کوتاه خود ضمن حمایت قاطع از خواستهای پناهجویان، از دولت بایرن خواستند که فوراً به خواستهای پناهجویان ایرانی، بویژه خواست پذیرفته شدن به عنوان پناهنده سیاسی رسیدگی کند. در ادامه حسن حسین زاده سخنگوی متحصنین ضمن قدردانی از حمایت مردم اعلام کرد که اعتراض پناهجویان بدون حمایت گرم مردم

روز پنجشنبه ۲۹ مارس به فراخوان فعالین جنبش ۹۹ درصدیهای ورتسبورگ تظاهراتی با شرکت صدها نفر از مردم این شهر در حماات از تحصن و مبارزات پناهجویان ایرانی برگزار شد. قبل از شروع تظاهرات، مردم در برابر چادر محل برگزاری تحصن تجمع کرده و با پناهجویان متحصن به بحث و گفتگو پرداختند و در ساعت ۶ بعد از ظهر با در دست داشتن پلاکاردهایی که بری روی آنها خواستهای پناهجویان نوشته شده بود، به طرف مرکز شهر به راه افتادند. شعارهای تظاهرات به این شرح بود: حق پناهندگی حق انسانی است، سیاست دولت محلی بایرن مبنی بر عدم قبولی پناهجویان ایرانی عین راسیسم است، زنده باد همبستگی جهانی. در مسیر راهپیمایی صد ها

## گزارشی از تظاهرات آنتی کاپیتالیستی در فرانکفورت آلمان هزاران نفر از مبارزه پناهجویان ایرانی در ورتسبورگ حمایت کردند



روز شنبه ۳۱ مارس بیش از ۶۰۰۰ نفر از فعالین جنبش ضد کاپیتالیستی در فرانکفورت آلمان دست به تظاهرات زدند. در جریان این تظاهرات سخنرانان در باره نقش بانکها و بورس در تخریب زندگی کارگران و مردم زحمتکش، بر علیه افکار و عقاید ارتجاعی کلیسا در توجیه فقر و فلاکت روزافزون کارکنان جامعه و افزودن بر سودهای افسانه ای سرمایه داران سخنرانی کردند.

در جریان این تظاهرات که از ساعت ۲ تا ۷ بعدازظهر ادامه داشت، تظاهرات کنندگان به چند بانک حمله کرده و شیشه ها را شکستند. در واکنش به حرکت تظاهرکنندگان پلیس با گاز اشک آور به آنها حمله کرد، تعدادی را مورد ضرب و شتم قرار داد

و بیش از ۱۰۰ نفر را دستگیر کرد. تلاش تظاهرات کنندگان و وکلای آنها برای آزاد کردن دستگیرشدگان ادامه دارد. در محل برگزاری میتینگ مرکزی تظاهرات، شهناز مرتب طی تماسی با برگزار کنندگان خبر تحصن

را از تحصن پناهجویان ایرانی حمایت اعلام کرد. در واکنش به این خبرهزاران نفر شروع به کف زدن کردند. در این تظاهرات تعدادی از فعالین حزب کمونیست کارگری با پلاکاردهائی با شعار همه قدرت به ۹۹ درصدی ها و برای تغییر دنیا هنوز به مارکس نیاز داریم شرکت داشتند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران-آلمان

**تماس با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی**

دبیر فدراسیون: عبدالله اسدی

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

[asadiabe@gmail.com](mailto:asadiabe@gmail.com)

[abe.asadi@glocalnet.net](mailto:abe.asadi@glocalnet.net)



## جنبش برهنگی با تمام نیرو تیشه بر ریشه اسلام سیاسی زده است



بهمن مرادیان پی

اسلام با برهنگی مخصوصا برای زنان مشکل دارد و دائما در قوانینش، زن را به عنوان برده و ماشین سکس عنوان کرده است. گروهی از زنان و مردان مبارز و آزادی طلب با هم یک صدا شده اند که سیلی محکمی به اسلام سیاسی و جمهوری ارتجاعی اسلامی و جریان های دست راستی بزنند.

در این میان، گروهی هم که در قلمشان جوهر ندارند، شروع به سفسطه کرده اند و قصد دارند که این شجاعت را زیر سوال ببرند و به سمت "مریم نمازی" و "سودابه سرخیل" و سودابه ها حمله ور شده اند!

در این بین کسانی دیده می شوند که تفکر چپ را بیدار می کشند و مدعی برابری و آزادی هستند! این یک پارادوکس است که آزادی بی قید و شرط را نمایندگی کنیم و از حرکت های انقلابی و اعتراضی انسان ها، جلوگیری کنیم و شروع به زیر سوال بردن تفکر اعتراضی کنیم! به نظر من دوباره شاهد بوجود آمدن آل احمدهای پلاستیکی هستیم!

دوباره شاهد هستیم که این افراد (کسانی که کمپین برهنگی را زیر

سوال برده اند) از دورترین نقاط چپ به پست ترین نقاط راست نقل مکان کرده اند! این که سعی بر کوبیدن شجاعت و اراده این تابوشکنان را دارند برای من جالب است زیرا مقابل بهمنی ایستاده اند که یک شهر را زیر می کند و چنان با قدرت به حرکت در آمده که کسی نمی تواند جلوی او را بگیرد!

"مریم نمازی" یک چهره بین المللی است و نیازی به توصیف ندارد و درگیری و اصطکاک درست کردن با او خود یک بازی مضحک است زیرا برنده بی چون و چرای این بازی "مریم نمازی" است.



یکی دیگر از این تابوشکنان، دختری است که در دل اسلام سیاسی تحت حاکمیت جلالین جمهوری ارتجاعی اسلامی متولد شده و رشد کرده و مورد بی قانونی قرار گرفته است.

سودابه سرخیل با عریان شدن خود فریاد زده که اسلام سیاسی و جمهوری ارتجاعی اسلامی را نمی خواهد. او نمی خواهد که به عنوان یک برده

جنسی به وی نگاه کنند و مدام زیر خط قرمز مردسالاری قرار بگیرد. او با عریان شدن خود تبدیل به چهره ای شده که اعتراضش را به گوش حاکمین و چهره های جریان راست رسانیده است. سودابه دوست دارد که تن او برای خودش باشد و کس دیگری برای او تصمیم نگیرد و کنترل بر رفتارهای او داشته باشد. او می خواهد به عنوان یک چهره ای که تابوها را در هم شکسته و خواسته هایش را شفاف بیان کند و هر روز به آرمان هایش نزدیک شود.

همین طور "مریم نمازی" دیگر چهره بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران و یکی از بهترین سخنرانانهای این حزب مردمی و انقلابی دوست دارد فریاد بزند که هویت را می ستاید و برای او این مهم ارزشمند است. حال منصفانه بیاندیشید!

آیا این خواسته ها ارزش دفاع ندارد؟ آیا همراهی و هم رزم شدن با مریم و مریم ها اصطکاک بر انگیز است؟ یا باعث می شود که عدالت، برابری و آزادی را خدشه دار کند؟

باور من این است که هم قطار شدن با کمپین برهنگی، ضربه عمیقی به خشک مغزی و اسلامیسون می زند و باعث می شود که به عدالت، برابری و آزادی به دور از هر گونه تبعیض، نزدیک تر شویم و این موارد را به اشتراک بگذاریم و حق انتخاب را در اختیار توده مردمی قرار دهیم. "مریم نمازی" دوست ندارد که به علت جنسیتش محدود باشد می خواهد خودش باشد آزاد آزاد.

او دوست دارد که اسلام سیاسی که باعث شده خانه و کاشانه اش را از دست بدهد را نقد کند و این را فریاد بزند که جمهوری ارتجاعی اسلامی، یک ماشین جنایت و ترور است. او به دید یک گهواره نفرت، به اسلام سیاسی نگاه می کند. آیا تفکر آزادی طلبی موردی در خود دارد که افرادی پیدا شده اند که با ایده "مریم نمازی" مخالفت می کنند! مبصرهای اجتماعی باید این را بدانند که وقتی آنتیست آلی انس و... تقویم

و ایده مریم نمازی را به اشتراک می گذارند. یعنی یک تایید محکم بر این موضوع یعنی نشان دادن موفقیت این ایده و درستی صحت کلمه کمپین برهنگی.

ما باید در این موضوع تمرین کنیم که آزادی بیان و گفتار یعنی چه؟

و اگر بر این موضوع اشراف داریم دخالت در تفکر و ایده اشخاص یک تناقض است بر این باور زیرا شما آن را قبول کرده اید و عکسکش را انجام می دهید. مخالفین کمپین برهنگی چنان اصطکاک درست کرده اند که انگار شکاف منطق را در خطر دیده اند.

اگر مخالفین در این فکر هستند که با این مخالفت مریم و کمپین از کار خود صرفه نظر می کنند اشتباه فکر کرده اند زیرا او و این کمپین بسیار مصمم تر به راه خود ادامه می دهند. عریان شدن در کمپین برهنگی یعنی:

نه به اسلام سیاسی.

عریان شدن در کمپین برهنگی یعنی:

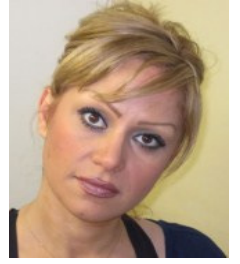
نه به مکتبی وسنتی فکر کردن.

عریان شدن در کمپین برهنگی یعنی: نه به آل احمدهای پلاستیکی مریم نمازی فکرش، فکر تغییر است و ایده اش، ایده نو و چنان تخت ننگین غیرت و مردسالاری را با عریان شدنش در هم شکسته که دیگر جای بحث باقی نمی گذارد.

متأسفانه عده ای حرکت علیا را می ستایند و حرکت او را بزرگ جلوه می دهند و حرفشان این است که او در کشوری اسلامی این کار را انجام داده و مابقی نه! او جانش در خطر است و مابقی نه! این یک فرار رو به جلوست!

به نظر من تمامی زنان و مردان آزادی طلب که دست به این حرکت اعتراضی زده اند آرمانشان این بوده که آزادی را بدون قید و شرط می خواهند همین و بس.

# قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست



شیرین شگرزاده

## نمایش تکراری مضحکه انتخابات

خودشان هم از همان ابتدا می دانستند که دیگر مردم کوچکترین توهمی نسبت به انتخابات ندارند و انتصابات بودن آنها با تمام گوشت و پوست خود لمس کرده اند.

انتخابات امسال اولین انتخابات بعد از مضحکه ریاست جمهوری سال ۸۸ بود، از این رو خامنه ای با توجه به جنایات و سرکوب انقلاب مردم در آن سال برای مشروعیت خود نیاز مبرم به یک نمایش دیگر داشت تا شاید بتواند خاطرات مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری را از اذهان دور کند و در نتیجه کمی برای نظام خود آرامش کسب کند.

ولی مشکل خامنه ای فقط پای صندوق رای کشاندن مردم نبود، او که در حال پاکسازی درونی حکومت خود است در حال گذر از پرتنش ترین دوران حکومت است. درگیری بین گروههای

مختلف جمهوری اسلامی به بالاترین نقطه خود در طول این ۳۳ سال رسیده است. در این راه هر گروه برای اینکه خود را حفظ کند شروع به اعلام مفاسد گروه های دیگر کرده و این مبارزه هر روز وسعت فساد مالی و جنایات جمهوری اسلامی را توسط خودشان بیشتر و بیشتر بر مردم عیان کرد فساد که هیچ گروه یا فرد حکومتی از آن مستثنا نبوده اند.

حال این فضا می توانست وقایعی مشابه سال ۸۸ را ایجاد کند و دوباره مردم معترض را به خیابانها بکشد و اگر اتفاق مبارزات خیابانی مردم دوباره تکرار شود. حکومت با تمام خشنوتش و ابزار سرکوبش قادر نخواهد بود مردم را به خانه ها بگرداند. این بزرگترین هراس خامنه ای بوده و هست. فضای بالای امنیتی و در هر مناسبت مهر تائیدای است بر این

گفته، تقریباً شهرها و مراکز مثل دانشگاه تبدیل به یک پادگان شده است. موج دستگیری روزنامه نگاران، دانشجویان، کارگران و فعالین سیاسی و اجتماعی همه در راستای جلوگیری از حضور دوباره مردم در خیابانها است.

سیاست جنگی طلبی حکومت و قرار دادن مردم ایران در خطر حمله نظامی کشور های غربی و اسرائیل از دیگر خطر هایی بود که در این دوره به حساسیت این نمایش اضافه می کرد. هر چند که خامنه ای سعی کرد از این خطر بعنوان یک ابزار تبلیغاتی برای کشاندن مردم به پای صندوق ها استفاده کند ولی وجود این خطر کاملاً واقعی است.

جمهوری اسلامی وارد بازی خطرناکی شده است که اگر به واقعیت بپیوندند تاوان آنها مردم خواهند داد. دلیل دیگر خامنه ای برای نشان دادن اینکه هنوز دزدنزد مردم ایران مشروعیت دارد وجود همین خطر است لذا تمام ابزار را بکار گرفت تا بتواند حضور

تکرار نمایش!..، انتخابات مجلس نهم جمهوری اسلامی، جمعه ۱۲ اسفند در یک فضای مطلق سانسور و تهدید برگزار شد. تکرار، تکرار، تکرار... اینبار هم خامنه ای با تمام قوا وارد میدان شد که از رای مردم علیه مردم استفاده کند. ولی با همان حربه و سناریوی همیشگی.

روزهای قبل از انتخابات صدا و سیما حکومت با به راه انداختن هیاهوی شدید و نمایشی مسخره از رقابت بین گروه های به اصطلاح سیاسی کشور، تمام تلاش خود را بکار بردند تا مردم را به پای صندوق های رای بکشانند. ولی

به فدراسیون  
سراسری  
پناهندگان  
ایرانی کمک  
مالی کنید

Plusgiro  
200974-4

## اسارت ماهی قرمز بر سر سفره هفت سین



محمود موسوی

ماهی قرمز بر سر سفره هفت سین ایرانی در تنگ شیشه ای همچون زندانی سیاسی در قفس زندانی است. این موجود زیبا و بی گناه به نام سنت و به رسم سفره هفت سین که نماد نوروز و نشانه شروع سال نو و آغاز بهار است در اسارت یک موجود قویتر به نام انسان است. کدام آیین انسانی برای اثبات اصالت خود و شروع سال نو بندگی را تایید کرده؟ اسارت و بندگی به هر نام و آیینی

بشریت و به این دین مبین برتر نمایند.

اصالت به چه قیمت؟ اسارت برای چه؟ خدمت به بشریت تا چه حد؟ دین و مذهب برای چه؟

ماهی سیاه کوچولوی کتاب صمد بهرنگی کجاست که ببیند حال در این زمان و در این مملکت چه بر سر ماهی ها می آید؟

کجاست که ببیند عده ای ماهی بزرگ و کوسه ماهی چگونه اکثریت بقیه ماهی ها را به اسارت خود در آورده و خون قرمزشان را میریزند تا دریاچه اشان که همان سفره اشان است، قرمزتر و رنگینتر باشد؟

کجاست که ببیند از دریای آزادی خبری نیست، هر چه هست همان دریاچه تاریک و تنگ است که در اختیار کوسه ماهیهای زورگو و خون آشام است؟

است و در نهایت عروج آدمی به بهشت فرضی آخوندی، یک ملت و یک کشور را به اسارت خود در آورده و همه را بنده بی چون و چرای خود کرده که به اصطلاح سفره بی سین مذهبش را با اسارت تکمیل و رنگین نماید و به گفته خودشان خدمت بزرگی به

محکوم است، چه اسارت انسان، چه اسارت حیوان. موجود موجود است و اسارت و بندگی اش صد در صد محکوم. ماهی در تنگ، مثل رژیم اسلامی است که ملتش را با استبداد حاکم با نام مذهب و به بهانه رسالت مهم انسانی که همان نوکری مذهبی

ما انسانها خودخواه و مستبد هستیم. آیا زیباتر و پسندیده تر نیست که سفره هفت سین مان را بدون اسارت و بدون مرگ تدریجی ماهی قرمز آراسته کنیم؟

آیا قشنگر نیست که این موجود پاک و بی گناه را آزاد و سرحال در دریاچه آزادی ببینیم و لذت بیشتری ببریم آیا زیباتر نیست که قفسها را بشکنیم و زندانها را خراب بکنیم؟

آیا پسندیده تر نیست که زندانیان سیاسی را آزاد و راحت ببینیم؟ آیا خویتر نیست که اصلاً دیکتاتوری وجود نداشت باشد؟

آیا ایده آل تر نیست که همه انسانها در جامعه ای آزاد با حقوق برابر و در نهایت صلح و صفا زندگی کند؟

زنده باد آزادی و برابری

دنیایی بهتر و شادابتر در برقراری یک حکومت انسانی ممکن است



بهرام تورانی

## حکومت سکولار تنها راه خلاصی از قید و بند مذهب

جامعه موفق رویه سکولار است. برای انحلال معضل مذهبی یا موفقیت در امر مذهب زدائی در جامعه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی جامعه ای سوسیالیستی و سکولار در ابتدا با جدا نمودن آن از سیاست و پس از آن حذف و ممنوعیت در تخصیص هرنوع هزینه و بودجه یا امکانات مالی کشور به مساجد، روحانیون، مداحان خرافه خوان یا روضه خوان و انجمن های مذهبی و تدریجاً با برنامه ریزی ها و اطلاع رسانی های دقیق و کارشناسانه از طریق مشاوران و جامعه شناسان زبده و سکولاریسم در رسانه ها و محافل عمومی میتوان سطح آگاهی مردم را بالا برده و مردمی را که خود را در قید و بند آن قرار داده اند رها کنید.

البته مجدداً تاکید میگردد که در جامعه سوسیالیستی و آزاد انسانی و سکولار، مذهب امری است خصوصی و هیچ اجبار یا ضرورتی برای این رهایی وجود ندارد، ولی به نظر می آید برای جلوگیری از تفریط در هرنوع باور یا مذهبی که امنیت و تأمین سلامت فکری و روانی انسانها را به مخاطره می اندازد و همچنین بالابردن سطح آگاهی مردم نسبت به اثرات مخرب خرافه پرستی در مذاهب به ویژه مذهب خشونت آمیز اسلام از ضروریاتی است که باید به جامعه القا و یکی از بهترین شیوه های مذهب زدائی و فرهنگ سازی برای استواری حکومتی سکولار و جامعه ای سوسیالیستی و انسانی در ایران است.

سرنگون باد حکومت اسلامی  
زنده باد جامعه سوسیالیستی و  
سکولار در ایران

در ابتدا باتوجه به جداسازی کامل دین از سیاست و برپائی حکومتی سکولار، دین و مذهب، ایمان و اعتقاد یا باور و عدم باور به خدا فقط امری است خصوصی، ذهنی یا قلبی و خروج آن از ذهن و مغز انسان برای ترویج، تبلیغ یا تحمیل در جامعه بسیار مضرو خطرناک است. درک و فهم وجود یا عدم وجود خدا با انتخاب هرنوع مذهب برای باور یا عدم باور به خدا به هرسبک و شیوه از بت پرستی گرفته تا بهائیت و یهودیت و مسیحیت و اسلامیت یا حتی تفکرات و نظریه های آتئیستی و ... بعنوان امر خصوصی انسانها به شرط اینکه این باور و اعتقاد به افراط نرفته و هیچ لطمه، اختلال یا خطری در زندگی خود و دیگران و جامعه ایجاد نکند از خصوصیات و ضروریات یک جامعه آزاد براساس پایه های انسانی و سوسیالیستی است.

پس از هزاران سال در قرن بیست و یکم دنیای امروزی برای درک وجود یا عدم وجود خدا با گرایش و علاقه انسانها به هرنوع مذهبی، منابع اطلاعاتی متعددی گذشته از کتاب و کتابخانه در دنیای مجازی اینترنت وجود دارد و به نظر میرسد نیاز چندانی به آخوند یا حوزه های تولید آخوند مانند حوزه علمیه قم یا کائن و بشیر نیست.

اختصاص کمترین ارجح و اعتبار به اینگونه نهادها از موارد مهم و ضروری و حائز اهمیت برای یک

بزرگترین باند مافیائی در جهان را با نام جمهوری یا حکومت اسلامی بوجود آورده است که یا جان میلیونها انسان را گرفته یا میلیونها انسان که تعداد زیادی از آنها اگر با خطرات شکنجه در بند و سیاهچالهای درونی حکومت گرفتار نباشند در فقر و گرسنگی بسر می برند، این دستگاه کشتار کماکان به عملیاتیهای تروریستی یا آدمکشی خود در داخل و خارج کشورا ادامه می دهد.

متأسفانه اسلام از قدمتی طولانی در ایران برخوردار است که فروتنترین و شنیع ترین آن از یک قرن گذشته تاکنون در این سی و اندی سال توسط حکومت اسلامی در جامعه ایران پدیدار شد. اصولاً اینجانب با مذهبی به نام اسلام چه از نوع سیاسی و چه غیرسیاسی آن بدلائیل فوق الاشاره (آیه های قرآن منبع اصلی اسلام) مخالفم، در حال حاضر مذهب زدائی در بیشتر اقشار مختلف ایرانیان باتوجه به قدمت دیرینه ای که ایران به آن مبتلاست غیرممکن است.

مذهب اسلام شیعی در ایران که با برگزاری مراسم های مختلف خرافه پرستی از جمله ماه محرم و رمضان و تولد و مرگ این پیامبر و آن امام و... به معضلی اجتماعی در ایران تبدیل شده و تقریباً گریبان اقشار متعددی از جامعه ایران را فرا گرفته است.

راه حل برطرف شدن این معضل اجتماعی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران چیست؟

نابرابری و هزار و یک جنایت آشکار و پنهانی که در جوامع مختلف اسلامی در حال وقوع است. گذشته از قرآن نه تنها اسلام به تنهایی مذهبی است خشونت آمیز بلکه رهبران مذهبی آن که معمولاً در رأس امور مملکتی جامعه ای مانند ایران قرار دارند با صدور فرمان قتل هایی در قالب فتوای ضد انسانی شان خطری مضاعف بر جان انسانها تلقی میگردند.

مذهب دستگاهی است که تشکیل باندهای مافیایی و ابزار مورد استفاده ضد انسانی در حکومت های دینی را به وجود آورده است. مذهب به ویژه نوع اسلام شیعی در آن مجموعه ای از دستگاه کشتار و تولید جهل و خرافه و انسان ستیزی در جامعه است.

تاریخ دستگاه مذهب، تاریخ جنگ، کشتار و خونریزی، جهل و جنایت و عقب ماندگی است. میزان انسانهایی که تاکنون در اثر جنایت دستگاه مذاهب به خاک و خون کشیده شده اند در زمره بزرگترین جنایات تاریخ است. این دستگاه مخرب و مافیایی را باید به کنترل درآورده و اثرات مخرب و انسان ستیزی آن را خنثی کرد. از گذشته های دور تاکنون تعرض در حقوق انسانها غالباً در کشورهای مذهب زده به ویژه کشورهایی که سیاست آن با مذهب آمیخته شده اند نسبت به دیگر کشورهای سرمایه داری شدت عمل بیشتری داشته و دارد. در حال حاضر دستگاه مذهب در ایران

نیاز جامعه به سکولاریسم تنها راه رهایی از خود بیگانگی انسان است. دخالت مستقیم مذهب از هرنوع در سیاست امور مملکتی سلامتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور را مضمحل خواهد کرد. عدم دخالت مذهب از زندگی اجتماعی افراد در جامعه یک نیاز مبرم است. اسلام یکی از ارتجاعی ترین مذاهبی است که علاوه بر دخالت مستقیم در زندگی خصوصی انسانها باعث بروز سلب آزادی های اجتماعی و گسترش بی عدالتی و متعارض معیارهای برابری انسانها شده است.

متأسفانه اسلام حتی از نوع خالص آن یعنی ناب محمدی اش نیز انسانیت را به ابهام کشانده است. با مطالعه و بررسی در منبع اصلی مدیریت اسلام یعنی قرآن به نتیجه خواهیم رسید که اساساً اسلام بدون خشونت و خونریزی معنایی نداشته و ندارد، برای تصدیق این حقیقت فقط کافی است به معنی برخی آیه هایی از قرآن نائل آسیم که دستور قتل و کشتار انسانها به بهانه کافر یا یهودی بودنشان، خشونت در برابر خشونت، قتل در برابر قتل و نابرابری زن در مقابل مرد و حق الورثه زن نصف مرد، سنگسار و قصاص و بسیاری از موارد دیگر که در قرآن به کرات مشاهده میگردد و در بین جمعیت مسلمان ایجاد انگیزه ای است برای اعدام، ترویج قتل و کشتار و

### ادامه تظاهراتی بزرگ بمنفع ... از صفحه ۱

این تظاهرات را می توانید در سایت روزنه ببینید.  
زنده باد انسانیت.  
محمدمامین کمانگر

باجه کشورهایی می رفتند که بیشتر پناهجویان آن کشورها در آلمان و اروپا اخراج می شوند. در ضمن بیشتر سخنرانان امروز فرودگاه فرانکفورت جوانانی بودند از کشورهای مختلف قاره آفریقا به آلمان آمده بودند. فیلم

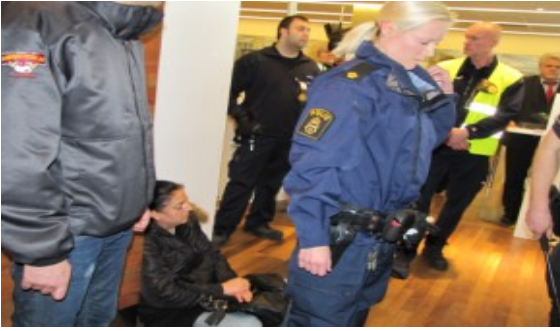
می داد و اعلام کرد که این تجمع و اعتراض بخاطر چه مسئله ای است. بعد میسر راهپیمایی را اعلام نمود. مسئله ای که برای من بسیار جالب بود، این بود که جدا از "لوفتانزا" معترضین یا تظاهرکنندگان به جلوی

ساعت ۷ بعد از ظهر شاهد اعتراض صدها انسان معترض به اخراج پناهندگان بود. قبل از هر چیز مجری برنامه برای صدها مسافری که این تجمع را مشاهده می کردند به زبانهای انگلیسی و آلمانی توضیح

فرانکفورت هم مانند این چهار شهر دیگر آلمان از ساعت ۵ بعد از ظهر تا

**ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کشوری امن نیست، هیچ پناهجوی ایرانی نباید به ایران بازگردانده شود**





### ادامه خوب است که همه از چگونگی دیپورت هوشمند... از صفحه ۱

صورت میگیرد. تنها پروازی که در این ساعت صورت میگرفت ترکیش ایر بود چرا که پلیس مسیر و ساعت حرکت هوشمند را اعلام نکرده بود و هیچ وقت هم حاضر نشد اعلام کند.

با اینکه صد درصد هم مطمئن نبودیم در پرواز ترکیش ایر باشد تمرکز کار خود را روی همین پرواز متمرکز کردیم، با بسیاری از مسافری این هواپیما صحبت کردیم. تعدادی از آنها آشنا بودند، به آنها گفتیم که اگر هوشمند در این هواپیما بود اعتراض کنید و اجازه ندهید وی را به ایران ببرند. با بسیاری از آنها هماهنگی لازم را ایجاد کردیم.

دو نفر از معترضین هم بلیط گرفتند و وارد هواپیما شدند. به نظر میرسید پلیس نیز از طرح ما برای داخل هواپیما مطلع شده باشد. چون جلو چشم آنها با مسافری حرف میزدیم و آنها را به همکاری دعوت میکردیم بدون اینکه پلیس عکس العملی از خود نشان دهد.

چون مجبور شدند بار دیگر کلیه مسافری را از هواپیما خارج کنند و یکی یکی آنها را بازدید نمایند. همزمان با متوقف کردن هواپیما،

اینکار بسیار گسترده تر از اینکه ما فکر میکردیم پیش رفت. به همین خاطر به نظر میرسید پلیس مسیر او را تغییر داده و میخواست او را از طریق دیگری دیپورت کند. درست زمانی که هر دو درب هواپیما بسته شد معترضینی که در داخل هواپیما بودند از جای خود برخاستند و شروع به اعتراض کردند و هواپیما را متوقف نمودند. پلیس ۱۰ نفر از مسافری را از هواپیما خارج کرد. هواپیمایی که ساعت ۱۴:۳۰ پرواز داشت ساعت ۱۶ حرکت کرد.

چون مجبور شدند بار دیگر کلیه مسافری را از هواپیما خارج کنند و یکی یکی آنها را بازدید نمایند. همزمان با متوقف کردن هواپیما، تعدادی از معترضین به قصد رساندن خود به داخل هواپیما وارد درب پاس کنترل شدند و با مقاومت پلیس مواجه گردیدند و یکی از ترده های پاس کنترل در درگیری میان پلیس و معترضین کنده شد.

روزنامه یتوبوری پستن لحظه به لحظه گزارش تهیه میکرد. رادیو پژواک و رادیوهای محلی نیز در حال تهیه گزارش بودند. اعتراض چنان محکم بود که فضای داخل فرودگاه را تحت تاثیر قرار داده بود. برطبق اطلاعاتی که بعداً در اختیار ما قرار گرفت، پلیس در طول ساعت ۸ تا ۱۳ از ترس معترضین، هوشمند را به مقر پلیس مرزی در گوتنبرگ برده بود و تلفن هوشمند را گرفته بودند.



در هفته های قبل نیز علاوه بر سازمانهای که در بالا به آنها اشاره شد تعداد زیادی از دوستان قدیمی هوشمند و مدافعین حقوق پناهندگی در ظرفیت شخصی به اداره مهاجرت نامه نوشته بودند و به حکم اخراج هوشمند اعتراض کردند. همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد

## نامه فدراسیون به اداره مهاجرت رونوشت به پلیس مرزی سوئد

رجوع می کنند و از آن درخواست کمک می کنند. شاید هیچکس به اندازه فدراسیون از نزدیک با شرایط سخت پناهنجویانی که غیر قانونی زندگی می کنند آشنا نباشد. روزی نیست صدای گریان شماری از این پناهنجویان را نشنوم و شاهد شرایط سخت و فلاکت بار زندگی آنها نباشیم. فدراسیون سازمانی نیست که خود را در مقابل مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه سوئد بی وظیفه بداند. از نظر فدراسیون شرایطی که به پناهنجویان تحمیل می شود مستقیماً معیارهای انسان دوستانه در جامعه سوئد را نشان می دهد. به همین دلیل از اداره مهاجرت می خواهیم کمک کند تا پناهنجویان از این شرایط سخت نجات پیدا کنند.

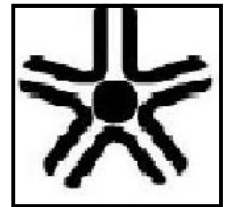
همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد

پیدا کرده اند پرونده هایشان به جریان بیفتد. در عین حال فدراسیون خواهان این است که هر کدام از این پناهنجویان بطور فردی از حق داشتن وکیل برخوردار شوند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی یک سازمان بین المللی است که در طول ۲۴ سال فعالیت خود در دفاع از حقوق پناهندگی، مخالفت با سیاست نسبیت فرهنگی و تلاش در جهت ادغام پناهنجویان و مهاجرین در جامعه جدید مبارزه کرده است و به پناهنجویان زیادی مستقل از مذهب، باور سیاسی، نژاد، ملیت، جنسیت و گرایش جنسی کمک کرده است.

به همین اعتبار به طور روزانه پناهنجویان زیادی به این سازمان

عادی برگردند. این پناهنجویان هم مثل بقیه انسان هستند و به زندگی انسانی نیاز دارند. تا بحال در موارد متعدد، هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی تلاش کرده ایم تا شماری از این پناهنجویان از زندگی مخفی و غیر قانونی نجات پیدا کنند. در همین رابطه روز دوشنبه دوم ژانویه پلیس مرزی گوتنبرگ طی تماسی با مجید حمیدیان یکی از مسئولین فدراسیون در سوئد اعلام کرد بجای اینکه برای هر یک نفر به پلیس مراجعه کنید بهتر است فدراسیون مشخصات این دسته از پناهنجویان را در اختیار ما قرار دهد تا پلیس مرزی موقعیت آنها را بررسی کند و امکان بازگشت آنها را به زندگی قانونی فراهم نماید.

پیرو همین موضوع فدراسیون در یک نوبت مشخصات ۵۰ تن از پناهنجویانی که به طور غیر قانونی زندگی می کردند به پلیس اعلام کرده است. پس از دریافت این لیست پلیس



هم اداره مهاجرت و هم پلیس مرزی سوئد اطلاع دارند که به طور روزانه تعداد زیادی از پناهنجویان به اشکال مختلف به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی مراجعه و از این سازمان تقاضای کمک می کنند. بسیاری از این پناهنجویان در شرایط مخفی زندگی می کنند و در بدترین دوران زندگی خود بسر می برند. سازمان ما در در این رابطه به شکل مداوم با پلیس مرزی و اداره مهاجرت در ارتباط بوده و کوشیده است از پلیس و اداره مهاجرت بخواهد که اجازه دهند این دسته از پناهنجویان از شرایط سخت و غیر انسانی خلاصی پیدا کنند و به شرایط قانونی و زندگی

## سنگسار ۹۰ نوجوان عراقی ۱۴ و ۱۸ سال به جرم پوشیدن لباس های غربی !



پيام حيات پور نيكي

نظر آنها لباس هایشان مناسب نیست را می ریابند و برای قتل آنها نخست يك بلوك سیمانی روی دست های آنان و يك بلوك سیمانی بزرگ روی پاهایشان می اندازند و در مرحله آخر يك بلوك سیمانی بر سر آنها می کوبند و آن قدر این کار را تکرار می کنند تا فرد بمیرد. آنها پس از کشتن نوجوانان، جسدشان را در سطحای زباله می ریاندازند. در پی این قتل های وحشتناک زنجیره ای و انتشار بیانیه وزارت کشور عراق که در آن به مدارس درباره استفاده دانش آموزان از مظاهر شیطان پرستی هشدار داده شده است، بسیاری از نوجوانان و جوانان عراقی که موهای بلند دارند و یا با مظاهر غربی در سطح شهر تردد می کنند، نسبت به احتمال ریایش و سنگسار دچار نگرانی شده اند. مد های لباس جوانان امروزه در اکثر

معروف شده به اژدهای دو سر، که يك سرش در آبشخور جمهوری اسلامی ایران است و دیگری در آخور دولت آمریکا، برایش خوش نیامده است. وزارت کشور رژیم اژدهای دو سر ما یعنی دولت آقای مالکی حکم داده اند که جوانان و نوجوانانی که با این رسم لباس پوشیده و برای خود هویت می سازند و در ملا عام ظاهر می شوند



بودند گرفته و به صف های سنگسار تحویل می دهند! لعنت بر این اسلام کثیف که همه چیز رو از جوانها گرفتند. حالا که دلشون خوش کردن به يك سری مد اسمشو گذاشتن شیطان پرستی. از اون طرف هم خودشون فتوا میدن که باید از جامعه حذف شوند. این يك چیزی بدیهی است که این گروه های افراطی از خود دولت عراق است درست مثل لباس شخصی ها در ایران که به هر بهانه ای خیلی از جوانها رو به کشتن دادند. جامعه بین المللی سنگسار در هر صورت «عملی وحشیانه و سبعمانه» تلقی می کند چه برای زنانی که به آنها تهمت زنا داده شده است چه بر جوانان بی گناهی که از آنها به عنوان شیطان پرست تلقی میشود ..

پدیده شیطانی نام نهادند که حذف اشان در جامعه ضروری است! مثل همیشه گروه های افراطی شیعه طرفدار رژیم اسلامی ایران در نیرو های انتظامی با لباس های شخصی شروع کرده اند به مدارس سر زدن و یکی یکی این نوجوانان را که بین ۱۴ و ۱۸

برای نوجوانان امروزی مخصوصا در غرب در آمده است. به انواع آهنگ ها و رپ و هیپ هاپ و غیره گوش می دهند و خودشان هم ترغیب به خواندن چنین آهنگ هایی می شوند. اینها برای هیچ کشوری غیر قابل تحمل نیامده است ولی دولت عراق که

پدیده شیطانی نام نهادند که حذف اشان در جامعه ضروری است! مثل همیشه گروه های افراطی شیعه طرفدار رژیم اسلامی ایران در نیرو های انتظامی با لباس های شخصی شروع کرده اند به مدارس سر زدن و یکی یکی این نوجوانان را که بین ۱۴ و ۱۸

گروه مسلح افراطی، نوجوانانی که به نظر آنها لباس هایشان مناسب نیست را می ریابند و برای قتل آنها نخست يك بلوك سیمانی روی دست های آنان و يك بلوك سیمانی بزرگ روی پاهایشان می اندازند و در مرحله آخر يك بلوك سیمانی بر سر آنها می کوبند و آن قدر این کار را تکرار می کنند تا فرد بمیرد. روزنامه الاخبار لبنان گزارش داد که در ماه گذشته بیش از ۹۰ نوجوان عراقی به بهانه استفاده از نمادهای شیطان پرستی توسط گروه های مسلح افراطی سنگسار شده اند. از نوجوانان که خود از ربه شده شدگان این گروه افراطی بوده و از دست آنها گریخته است، به «الخبار» گفت: گروه مسلح، نوجوانانی که به

## مردم دیگر گول شیادی شما را برای رای دادن نخواهند خورد



بهروز عرفانی رف

بهترین شرایط وجود دارد و هیچ خطری تهدیدش نمی کند را دارد. باید به ایشان گفت که تو چگونه از مردمی که آنان را زدی و شکنجه کردی و کشتی، بخترا را به جرم بد حجابی بازداشت کردی و به وسیله نیروی بی شرافت انتظامیت به آنان تجاوز کردی نه تنها پول نفت بر سر سفره هایشان نیامد که بلکه هر آنچه در سفره داشتند نیز غارت کردی، انتظار داری که در انتخابات فرمایشی که حضورشان در آن، تو آخوند خونخوار را خوشنود خواهد کرد شرکت کنند گزی بی شرمی و انتظار بیجا!! دیگر اینکه همه مردم ایران میدانند، انتخاباتی در کار نیست، بلکه هر چه

حکومت جهل و فسادتان دانستید و سپس دوستداران اصلاح طلبتان با يك نقشه دیگر، جوانان دلاور را به کشتن دادند و تخم ترس را در دل مردمان کاشتند و خودشان در سنگرهای سکوتشان پنهان شدند. اکنون زمانی است که جوانان و مردم ایران باید جبهه سیاسی خود را مشخص کرده و با تحریم انتخابات ضمن اثبات ایرانی بودن و آزادی خواهی شان، خامنه ای و دستداران سبز الهی و مزدوران بسیجی را نیز به این باور رسانند که مردم خواستار سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری يك نظام دموکراتیک و سکولار هستند که در آن همگان با هر باور و عقیده و با هر لهجه و زبانی از عدالت اجتماعی یکسانی برخوردار بوده و در آسایش و رفاه امنیت زندگی کنند. نکته پایانی آن که، شرکت در انتخابات فرمایشی جمهوری اسلامی تاکتیک رژیم اسلامی است. ملت ما دیگر در یافته است که اگر

شرکت کند، حتا جلوی صندوق رای ظاهر شود، آب به آسیاب دشمن ریخته است. از اینرو میتوان گفت که نهایت کینه توزی و عداوت با ملت ایران است اگر بخواهیم در این انتخابات فرمایشی شرکت کنیم. تنها امت خرد باخته و مزدوران و کاسه لیسانند که میتوانند مانند همیشه در این انتخابات شرکت نمایند و در روز انتخابات هم چنان که شاهد بودید فقط ساندیسخوران و مزدوران رژیم پای صندوقها رفته و رای دادند. رژیم همانند گذشته سعی کرد که چهره دیگری از روز انتخابات به مردم ایران و دنیا بدهد اما دیگر این طرفنها فایده ای ندارد. دیگر مردم میدانند که در درون حکومت چه میگذرد و همه چیز آن و حتی انتخاباتش ساختگی و بی پایه است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی مردم ایران



## جمهوری اسلامی واقعا یک حکومت فاشیستی است



متولد شده اند و تمام عمرشان در این کشور زندگی کرده اند، قربانیان بسیاری از این مردم گرفته و فشارهای خرد کننده ای را به زن و مرد و حتی کودکان افغانستانی وارد آورده است. ابعاد این جنایات، که با توهین و تهمت و تحقیر مداوم همراه است و با توسل به ناسیونالیسم ایرانی صورت میگیرد، واقعا قابل توصیف نیست.

حزب کمونیست کارگری این سیاست ضد انسانی و نفرت انگیز حکومت فاشیست اسلامی و همچنین سکوت دولتها و نهادهای بین المللی در مورد رفتار جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانی را قویا محکوم میکند. ما همه کارگران و مردم ایران را فرا میخوانیم که وسیعا همبستگی خود را با پناهنندگان و مهاجرین افغانستانی

اصفهان در پارک صفا به این سیاست فاشیستی اعتراض کرده و پلاکاردهایی را در دست گرفته بودند که روی آن نوشته شده بود "من هم افغانم". این ابتکار جالب و حرکتی از این دست را باید گسترش داد. زبان مقامات جمهوری اسلامی در مورد افغانستانی ها و این نوع فرامین و این فرهنگ سالهاست که در همه جهان شناخته شده است و همه را بیاد نازیسم و حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی می اندازد.

جمهوری اسلامی همیشه با مهاجرین افغانستانی بر همین اساس برخورد کرده و بدبهی ترین حقوق شهروندی و انسانی آنها را پایمال کرده است. جنایات این حکومت نسبت به افغانستانی ها و حتی آنها که در ایران

در ادامه سیاستهای فاشیستی جمهوری اسلامی علیه پناهندگان افغانستانی، امروز ۱۳ فروردین یکی از دست اندرکاران این حکومت در استان اصفهان بنام احمد رضا شفیعی که عنوان "مسئول کمیته انتظامی ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی" در شهر اصفهان را دارد، سنگ تمام گذاشت و رسماً ورود افغانها به یک پارک در اصفهان را ممنوع اعلام کرد.

این مقام حکومت گفته است که "به منظور رفاه شهروندان، نیروهای این کمیته با همکاری پلیس امنیت و اداره اماکن در روز ۱۳ فروردین از ورود افغانها به پارک کوهستانی صفا جلوگیری میکنند". در مقابل این رفتار فاشیستی، گروهی از مردم

اعلام کنند و متحد و یکپارچه هر نوع سیاست تفرقه و جداسازی در این زمینه را محکوم کنند. باید از این

اصل که همه ساکنین کشور از حقوق و امکانات برابر برخوردار شوند وسیعا دفاع کرد. جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی باید هدف خود را برپایی جامعه ای آزاد و بری از همه تبعیضات از جمله تبعیض علیه مردم منتسب به ملیتهای مختلف قرار دهد و برابری کامل همه ساکنین کشور

مستقل از نژاد و جنسیت و ملیت و

قومیت را به پرچم انقلاب علیه این حکومت تبدیل کند.

مرگ بر جمهوری سلامی،

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی،

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

## گزارش چهاردهمین روز تحصن پناهجویان ایرانی در ورتسبورگ



بحث و گفتگو پرداخت. وی در برابر درخواست پناهجویان مبنی بر شناخته شدن به عنوان پناهنده سیاسی گفت رسیدگی به این امر خارج از حوزه اختیارات او بوده و دولت و مقامات دولت محلی باید به خواستهای متحصنین پاسخ دهند. در این دیدار حسن حسین زاده سخنگوی متحصنین یک بار دیگر بر خواستهای برحق پناهجویان و پذیرفته شدن آنها به عنوان پناهنده سیاسی تاکید کرد و اعلام کرد که مبارزات پناهجویان تا برآورده شدن خواستهایشان ادامه خواهد داشت. خانم سیمون توله نماینده حزب سبزها در پارلمان استان بایرن نیز برای دومین بار به محل تحصن پناهجویان آمده و با آنها گفتگو کرد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان همچنان فعالانه به تلاش های خود برای تحقق خواستهای پناهجویان ادامه خواهد داد.

در چهاردهمین روز از تحصن پناهجویان ایرانی در ورتسبورگ مراجعه مردم به محل تحصن و امضا کردن پتیشن خواستهای پناهجویان و بحث های گوناگون در باره مبارزات پناهجویان ادامه داشت. امروز نیز تعدادی از مقامات شهر ورتسبورگ از محل تحصن دیدار کرده و با متحصنین به گفتگو پرداختند. اینجا گزارش کوتاه این دیدارها به اطلاع عموم می رسد. روز یکشنبه اوب آوریل آقای جورج روزنتال شهردار اول ورتسبورگ به محل چادر متحصنین که در برابر ساختمان شهرداری این شهر جریان دارد آمد و ضمن امضای پتیشن حمایت از خواستهای پناهجویان، با پناهجویان متحصن به



**پیروز باد انقلاب مردم ایران، برقرار باد حکومت انسانی، نابود باد حکومت**



## مصاحبه نشریه همبستگی با عبدالله اسدی در رابطه با چگونگی توقف دیپورت علی آذری

پلیس جنگ و گریز سختی در گرفته بود ساعت های سختی را به این شکل گزرانیم. هدف پلیس این بود که از هر طریقی که شده علی را به پروازی که برای وی در نظر گرفته بودند برسانند.

پرواز هوا پیمای ساعت ۲:۳۰ دقیقه صورت می گرفت تلاش فعالین هم این بود که این مقاومت را تا ساعت پرواز هواپیما ادامه دهیم و مقاومت فعالین با تمام توان ادامه داشت. بالاخره هواپیما پرواز کرد و علی آذری در داخل بازداشتگاه ماندگار شد و اداره مهاجرت مجبور شد ساعت ۲:۴۰ دقیقه حکم اخراج علی را متوقف کند.

همبستگی: هدف ما از این مصاحبه کوتاه با شما این بود که این اتفاق را بعنوان يك تجربه از قول شما در نشریه همبستگی منتشر کنیم. من در این مورد سؤال دیگری ندارم اگر خودت نکته ای دیگری دارید اضافه کنید بفرمایید.

عبدالله اسدی: من هم از شما سپاس گزارم و این موفقیت را به همه پناهنجویان و مدافعین حقوق پناهندگی بویژه آنهایی که در این حرکت نقش بسیار فعالی ایفا کردند تبریک و خسته نباشید می گویم.

\*\*\*\*\*

**از سایت فدراسیون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی دیدن کنید.  
در این سایت در  
مورد قوانین  
مهاجرتی کشورهای  
اروپایی اطلاعات  
بسیاری موجود  
است. شما پاسخ  
بسیاری از سؤالات  
پناهندگی خود را در  
این سایت خواهید  
یافت  
www.hambastegi.org**

بازداشتگاه اداره مهاجرت به طرف فرودگاه خواهند برد.

جمعه صبح زود تلفن من به صدا درآمد؛ علی آذری بود. گفت: همین الان پلیس طی تماسی به من ابلاغ کرده: " که آماده باشم که همین الان من را به فرودگاه ببرند."

خیلی زود دست بکار شدیم و از طریق رادیوهای محلی و تماسهای تلفنی، مردم را در جریان تغییر ساعت انتقال علی به فرودگاه با خبر کردیم.

ساعت ۹:۳۰ دقیقه اولین تیم از معترضین و مدافعین حقوق پناهندگی به مقابل بازداشتگاه رسیدند و علی را به همراه پلیس در حال پائین آمدن از پله های بازداشتگاه مشاهده کردند. پلیس در دو نوبت تمام توان خود را به کار بست تا علی را از میان معترضین رد نماید ولی هربار با مقاومت محکم و شجاعانه فعالین روبرو می شد و مجبور به بازگرداندن علی به بازداشتگاه شدند.

همبستگی: آیا پلیس فقط از يك مسیر می توانست علی را از بازداشتگاه خارج کند؟

عبدالله اسدی: از طریق اتومبیل بلی فقط يك مسیر برای خروج وی از بازداشتگاه وجود داشت، ولی پلیس در فکر این بود که علی را از راه های دیگری که به داخل جنگل منتهی می شد از بازداشتگاه خارج کند ولی فعالین همه راهها را تحت کنترل خود گرفته بودند.

اتومبیل های پلیس یکی پس از دیگری از راه میرسید و هر لحظه به تعدادشان افزوده میشد. در مسیر اصلی بازداشتگاه سدی محکم در مقابل هجوم پلیس ایجاد شده بود. هر جا فکر می کردیم ممکن است از پس هجوم پلیس برنیاییم به وسیله ماشین های شخصی خود، راه پلیس را مسدود می کردیم. میان فعالین و



همبستگی: روز جمعه ۹ مارس در جریان تلاش و مبارزه شماری از فعالین مدافع حقوق پناهندگی در گوتنبرگ سوئد حکم دیپورت علی آذری متوقف شد. چه نوع فعالیتی باعث شد اخراج وی به ایران متوقف شود؟

عبدالله اسدی: اگر بخوایم در يك جمله پاسخ بدهم می گویم مبارزه متحدانه باعث شد حکم اخراج وی متوقف شود. ولی در تصمیم لغو حکم اخراج علی آذری آمده است حکم اخراج وی تا اطلاع ثانوی متوقف می شود. بنا براین متوقف شدن حکم اخراج هنوز به معنی پایان کار نیست و او هنوز در بازداشتگاه اداره مهاجرت بسر می برد.

همبستگی: چه کارهای دیگری باید انجام شود تا از بازداشتگاه آزاد شود و به او اجازه اقامت دائم داده شود؟

عبدالله اسدی: باید پرونده وی بر اساس اتفاقات جدیدی که در این مدت در پرونده وی افتاده است مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

همبستگی: چه اتفاقات جدیدی در این دوره می تواند در پرونده وی افتاده باشد؟

عبدالله اسدی: از نظر اداره مهاجرت آنچه که علی تا بحال گفته است قانونا هیچ اعتباری ندارد ولی در مدت بازداشت با رادیوها و رسانه های زیادی تماس گرفته و به طور علنی علیه جمهوری اسلامی صحبت کرده است، روزنامه Göteborg Posten عکس و مصاحبه با وی را بچاپ رسانده.

شماری از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی در این مدت از حقوق پناهندگی وی دفاع کرده اند، اطلاعاتیه داده اند و برای جلوگیری از اخراج وی تظاهرات فراخوان داده اند و بسیاری

مسائل دیگر. علی باید تمام این گزارشات را طبقه بندی کند و آن را با جزئیات توضیح دهد و بر مبنای آن از اداره مهاجرت تقاضای بررسی مجدد کند. علاوه بر اینها لازم است هر فعالیت دیگری را که بدنبال پاسخ منفی دیوان عالی کشور انجام داده است نیز به گزارش کار این دوره خود اضافه کند.

عبدالله اسدی: علی ۳ سال پیش از کشور سوئد درخواست پناهندگی کرده بود اما اداره مهاجرت به تقاضای پناهندگی وی پاسخ رد داده و پرونده وی را در اختیار پلیس قرار داده بود. علی آذری روز پنجشنبه اول مارس ۲۰۱۲ توسط پلیس بازداشت و قرار شد روز جمعه ۹ مارس به ایران دیپورت شود. همانطور که در اطلاعیه فدراسیون اعلام کرده بودیم به وی اعلام کرده بودند آماده باشد روز جمعه ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه او را از

همبستگی: علی آذری چند سال بود در سوئد زندگی می کرد؟



**افزار ارنگ**

free.iran.2575@gmail.com

پس از مرگ خمینی جلا، امپریالیسم و حکومت‌های غربی که در فکر جانیشینی مناسب برای خمینی جهت ادامه اجرای اهداف ظالمانه خود در حق مردم ایران و چپاول ایران بودند، جانیشینی شایسته‌تر از سید علی خامنه‌ای جلا، مزدور نیافتند. خامنه‌ای که در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ توسط سرمایه داران و غارتگران، به جانیشینی خمینی انتخاب شد، همچو او می‌اندیشید و رفتاری مشابه او با دگراندیشان، آزادی خواهان و زندانیان سیاسی داشت و در راستای خدمتگزاری به امپریالیسم و دنیای سرمایه داری، مجری بی چون چرای اوامر آن‌ها بود. از این رو در دوره حکومت او، شاهد حوادث دهشتناک و کشتار مردم و دگراندیشان هستیم که از جمله می‌توان به حمله وحشیانه به کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و سرکوب خونین دانشجویان آزاده و بی دفاع اشاره نمود. حادثه فجیعی که به دستور خامنه‌ای جلا و مشارکت نیروهای انتظامی، امنیتی، سپاه پاسداران و اراذل و اوباش صورت گرفت.

وقایع ۱۸ تیر ۷۸ کوی دانشگاه به مجموعه درگیری‌های دانشجویان دگر اندیش با نیروهای انتظامی و افراد موسوم به لباس شخصی‌ها، بین روزهای هجدهم تیر تا بیست و سوم تیر ماه ۱۳۷۸ اطلاق می‌شود. بر پای تجمیع اعتراضی دانشجویان موضوع جدیدی نبود ولی حمله وحشیانه به این تجمیع موضوعی دردناک و غیر قابل بخشش همچو کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰ می‌باشد. سرکوب دانشجویان در قیام ۱۸ تیر ۱۳۷۸ توسط رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی، تداومی کننده جنایت رژیم شاه در سرکوب

دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۳۲- البته در سطحی بسیار وسیع تر و با شدتی بس بیشتر- می‌باشد و حادثه کوی دانشگاه و وقایع مربوط به آن در سال ۱۳۷۸ را، شاید بتوان وحشتناکتر و دردناکتر نسبت به رویداد تاریخی و جاودانه ۱۶ آذر دانست. روزی که اعتراض به حق دانشجویان از جان گذشته به رژیم کودتا و اربابانش، به کشته شدن سه دانشجو به اسامی احمد فتدچی، آذر شریعت رضوی و مصطفی بزرگ نیا انجامید.

تجمع هجدهم تیر ۱۳۷۸ به دعوت فرخ شفیعی در خوابگاه کوی دانشگاه تهران و در اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام صورت گرفت. این روزنامه به مدیر مسئول موسوی خوئینی‌ها و سردبیری عباس عبیدی منتشر می‌گردید و به جرم چاپ نامه محرمانه سعید امامی (معاون وزارت اطلاعات) به قربانعلی دری نجف آبادی (وزیر اطلاعات رژیم) برای تحدید مطبوعات در ۱۵ تیر ۱۳۷۸ توقیف و توسط دادگاه ویژه روحانیت به مدت ۵ سال توقیف شد. در جریان محاکمه روزنامه سلام، به جز مدعی العموم، چهار شاکی دیگر نیز حضور داشتند: ۱- محمود احمدی نژاد استاندار اردبیل در دولت هاشمی رفسنجانی و رییس جمهور کنونی جمهوری اسلامی ۲- کامران دانشجو استاندار اسبق تهران و معاون سیاسی سابق وزیر کشور و رییس ستاد انتخاب ریاست جمهوری دهم و وزیر علوم کنونی ۳- درویش زاده نماینده دزفول در مجلس پنجم ۴- حمید رضا ترقی عضو ارشد حزب موتلفه و نماینده مشهد در مجلس پنجم.

در پی تظاهرات دانشجویان در اعتراض به توقیف روزنامه سلام و تصویب قانون جدید مطبوعات، انصار حزب الله به داخل کوی دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی حمله بردند و ضمن ضرب و شتم شدید دانشجویان، به تخریب اموال دانشجویان و خوابگاه پرداختند. بنابر آن چه گفته شده است، در جریان این یورش وحشیانه نیروهای حکومتی به

## خامنه‌ای و امتداد مسیر خمینی

محیط دانشجویی، دهها تن کشته و زخمی و صدها نفر بازداشت شدند. در این حمله حتی خوابگاه دانشجویان خارجی نیز در امان نماند. این اقدام غیر انسانی و بی رحمانه و وحشیانه، موجب اعتراضات گسترده سایر دانشجویان و مردم به مدت چند روز در تهران و شهرستانها گردید. دانشجویان دانشگاه‌های مشهد، اصفهان، شیراز، ارومیه، اردبیل، شاهرود، یاسوج، همدان، یزد، خرم آباد، بندرعباس، زنجان، گرگان، رشت، مراغه و اراک نیز در اعتراض به حمله مزدوران رژیم به دانشجویان دانشگاه تهران؛ راهپیمایی نمودند و یا با صدور اطلاعیه‌هایی این اعمال وحشیانه را محکوم کردند.

در مجموع این حوادث خونین، عزیزانی همچو عزت الله ابراهیم نژاد، فرشته علیزاده، تامی حامی فرو... کشته شدند و برخی از جمله احمد باطنی، اکبر محمدی و میثم لطفی به دست دژخیمان رژیم دستگیر و سعید زینالی نیز هنگام دستگیری توسط نیروی انتظامی مزدور ناپدید گردید.

در تبری اعتراضات دانشجویی به شدت توسط نیروی انتظامی و امنیتی سرکوب و دست کم ۳۰۰ دانشجوی دستگیر و تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتند. دانشجویان نیروی انتظامی را عامل یورش به کوی دانشگاه دانسته و خواستار عزل فرمانده آن بودند و همچنین به توقیف روزنامه سلام توسط دادگاه ویژه روحانیت (که زیر نظر رهبری قرار دارد) معترض بودند، اما خامنه‌ای جلا حاضر به برکناری سردار لطفیان مزدور و همچنین نظری مزدور فرمانده پلیس تهران نشد. همین امر باعث شد تا در روزهای بعد تظاهرات به سمت دفتر علی خامنه‌ای جلا و مجموعه‌ای که در مرکز تهران در آن مستقر است (موسوم به مجموعه مطهری) شکل گیرد. سعید

حجاریان مزدور در این باره می‌گوید: وقتی دانشجویها از کوی دانشگاه بیرون آمدند، بین ولعصر بودند تا حرکت کنند به سوی خیابان آذربایجان، من در آن هنگام دفتر آقای خاتمی بودم آن زمان من عضو شورای شهر تهران بودم اعضای شورای شهر را برده بودم به کوی دانشگاه تا خرابی‌ها را ببینند و برای بازسازی و اختصاص بودجه اقدام کنیم من به خاطر این کار رفته بودم دفتر خاتمی که آقای صفوی فرمانده سپاه زنگ زد به آقای ابطی و گفت که خط قرمز ما خیابان جمهوری است هر کس از این خیابان پایین تر بیاید می‌زنیم، متوجه شدیم که بچه‌های دانشجو دارند رو به پایین حرکت می‌کنند به من گفتند که بروم با آنها صحبت کنم، رفتم با دانشجویها صحبت کردم یک طرف بچه‌های رحیم صفوی بودند یک طرف هم بچه‌های دانشجو، با قسم و آیه و من بمیرم و تو بمیری سر راهپیمایی را کج کردم به سمت کوی دانشگاه و گفتم برید من هم می‌آیم به کوی.

پس از تظاهرات دانشجویان به سمت دفتر خامنه‌ای جلا و همچنین گسترش اعتراضات به سایر شهرستانها و سایر نقاط تهران از جمله میدان سپه و بازار تهران، در شرایطی که ۱۸ تیر شاهد بی سابقه‌ترین درگیری بین مردم و سپاه پاسداران و بسیجی‌های مزدور و اوباش بود، دوستان و چهل تن از فرماندهان جنایتکار بلند پایه سپاه در نامه‌ای به محمد خاتمی (مزدور کثیف رژیم) او را تهدید کردند اگر در سرکوب اعتراضات قوی‌تر عمل نکند خود

دست به کار می‌شوند(البته در واقع دست به کار شده بودند). در بخش‌هایی از این نامه که با اطلاع و تایید خامنه‌ای جلا منتشر شد- خطاب به خاتمی- آمده است: اما آیا حرمت شکنی و توهین به مبانی این نظام

تاسف و پیگیری ندارد، آیا حریم ولایت فقیه کمتر از کوی دانشگاه است، آیا حریم امام آن انسان کم نظیر کم تر از جسارت به یک دانشجو است، آیا چند روز امنیت کشور را دچار اخلاص کردن و به هر مومن و متدین حمله کردن و آتش زدن فاجعه نیست، آیا زیر سؤال بردن جمهوری اسلامی این یادگار ده‌ها هزار شهید و شعار علیه آن دادن فاجعه نیست، جناب آقای خاتمی چند شب پیش وقتی گفته شده عده‌ای با شعار علیه رهبر معظم انقلاب به سمت مجموعه شهید مطهری در حرکت اند بچه‌های کوچک ما در چشم ما نگرستند انگار از ما سوال می‌کردند غیرت شما کجا رفته است.

اسامی تعدادی از امضا کنندگان نامه یاد شده از قرار زیر می‌باشد:

- ۱- محمد باقر قالیباف فرمانده وقت نیروی هوایی سپاه و شهردار فعلی تهران (او چندی بعد، از سوی خامنه‌ای جلا جانشین سردار لطفیان در فرماندهی کل نیروی انتظامی شد) ۲- غلامعلی رشید فرمانده سابق سپاه ۳- عزیز جعفری فرمانده کل فعلی سپاه پاسداران ۴- قاسم سلیمانی ۵- جعفر اسدی ۶- احمد اسدی ۷- احمد کاظمی فرمانده اسبق نیروی زمینی سپاه که در سقوط هوایما به هلاکت رسید ۸- محمد کوثری نماینده فعلی مجلس هشتم ۹- اسدالله ناصح ۱۰- محمد باقری ۱۱- غلامرضا محرابی ۱۲- عبد الحمید رئوی نژاد ۱۳- نور علی شوشتری جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه که بر اثر انفجار در سیستان و بلوچستان به هلاکت رسید ۱۴- دکتر علی احمدیان ۱۵- احمد غلامپور ۱۶- یعقوب زهدی ۱۷- نبی‌الله رودکی ۱۸- علی فدوی ۱۹- غلامرضا جلالی ۲۰- امین شریعتی ۲۱- حسین همدانی فرمانده فعلی سپاه محمد رسول الله تهران بزرگ ۲۲- اسماعیل قآنی ۲۳- علی فضلی فرمانده سپاه ثار الله ۲۴- علی زاهدی ۲۵- مرتضی قربانی و رادیو رژیم ضد انسانی اسلامی پس از شصت ساعت سکوت، پاسخ خاتمی



## ادامه خامنه ای و امتداد... از صفحه ۱۰

مزدور به وزیر آموزش عالی (معین) را پخش می کنند. او در یک موضعگیری ضمن رد استعفای معین وزیر آموزش عالی، از دانشجویان خواست که نسبت به جنایت کوی دانشگاه چشم پوشی و خویشتن داری نکنند.

خاتمی مزدور در این نامه دانشجویان را متهم به خشونت کرد و گفت همه باید بدانند که در شرایط حساس کشور آرامش و پرهیز از هر گونه خشونت و تشنج، اساسی ترین نیاز کشور و لازمه مهم توسعه سیاسی است و موفقیت دولت مرهون این آرامش است.

خاتمی با صدور اطلاعیه دوم شورا عالی امنیت ملی که تحت ریاست وی بود گفت: متاسفانه عده ای با شعارهای غیر معقول و افراطی نمودن حرکت سالم دانشجویان قصد ایجاد درگیری دارند و این به طور آشکار و مشخص می رساند که خاتمی مزدور نه تنها هیچ گونه حمایتی از دانشجویان نکرد بلکه بر علیه آن ها موضعگیری و اقدام نمود. در حالی که دانشجویان به چهارمین روز تظاهرات خود ادامه می دادند، از بامداد همان روز، عوامل خاتمی در دانشگاهها به شدت تلاش می کردند مانع برگزاری تظاهرات شوند.

وزیر کشور کابینه خاتمی به صراحت دانشجویان را که در اعتراض به کشتار کوی دانشگاه راهپیمایی و تجمع نمودند، تهدید به سرکوب نمود. در روز ۲۱ تیر ماه ۷۸ به دستور شورای عالی امنیت ملی، وزیر کشور خاتمی و نیروهای انتظامی وارد عمل می شوند. آنان دهها نفر را کشته، صدها تن را مجروح و دهها تن از تظاهرات کنندگان را دستگیر می نمایند.

نیم روز ۱۸ تیر ماه ۷۸ دانشجویان در ادامه جنبش اعتراضی خود در

دانشگاه تهران تجمع کردند و هنگام پخش سخنرانی خامنه ای جلا- که از بلند گوی مسجد دانشگاه تهران پخش می شد- او را هو نمودند. رژیم ضد انسانی و دیکتاتور جمهوری اسلامی، در هراس از گسترش تظاهرات و جهت آمادگی برای سرکوب، دو فروند هلی کوپتر را بالای سر در دانشگاه به پرواز در می آورد. روزنامه نشاط اعلام نمود که محمد فرجی دانشجوی دانشکده حقوق در ناآرامی های روزهای گذشته جان سپرد. در اطراف دانشگاه تهران و به ویژه در خیابان کارگر بسیاری از جوانان و نوجوانان ۱۵ تا ۱۶ ساله از شدت جراحت ها در خون می غلتیدند و کسی را یاری رسیدگی و جمع آوری آنان نبود. رژیم جنایتکار و ضد انسانی اسلامی، از انتقال مجروحان به بیمارستان جلوگیری می کرد.

حالت تعدادی از زخمی ها که در مسجد دانشگاه تهران پناه گرفته بودند، از شدت جراحت وخیم بود ولی مزدوران رژیم از رساندن دارو به آنها جلوگیری می کردند.

چهار تن از تظاهر کنندگان به نامهای: رضا حیدری، روزیتا حیدری، علی کریمی و محمد محمدی، در ۲۱ تیر ماه ۱۳۷۸، در خیابان انقلاب، با شلیک گلوله توسط مزدوران نیروی انتظامی کشته می شوند. در ساعت شش ۲۱ تیر ماه ۷۸، پس از نیم روز، مزدوران رژیم اعلام کردند که اگر جمعیت از درب شرقی دانشگاه خارج شوند، به آنها کاری نخواهند داشت اما به محض خروج دانشجویان و مردم از درب شرقی، آنها را به گلوله می بندند که دهها تن از مردم و دانشجویان کشته می شوند. کشته شدگان را در مسجد دانشگاه تهران جمع کردند.

در شهرستان ها نیز نیروهای رژیم حوادث تلخی را رقم زدند که یک نمونه از موارد پر شمار فجایع صورت گرفته، کشته شدن یک دختر دانشجو در مشهد به دست مزدوران رژیم اسلامی بود. مزدوران رژیم آسیب ها

و جراحات فراوانی نیز به دانشجویان و سایر مردم وارد آوردند که از جمله، چشم یک دانشجوی رشته پزشکی به نام محسن جمالی بر اثر اصابت گلوله تخلیه شد. وزیر فرهنگ و آموزش عالی که به ظاهر استعفا داده بود، چهره واقعی خود را بر ملا کرد و در یک اطلاعیه رسمی، دانشجویان دانشگاه تبریز را آشوب طلب خواند و از سرکوب و کشتار آنان حمایت کرد. ارگان های سرکوب و نماینده ولی فقیه و استاندار آذربایجان شرقی، جنبش دانشجویان را محکوم کردند.

مردم تبریز به همراه دانشجویان با سنگ و چوب به ماشین های سپاه مزدور حمله می کردند و با آتش زدن لاستیک و یک خودروی مزدوران نیروی انتظامی، سعی در جلوگیری از حمله مزدوران رژیم داشتند. مزدوران نیروی انتظامی در تبریز اجتماع دانشجویان را در تیر ماه ۷۸، به گلوله بسته و دانشجویی به نام کاهه محمدی دانشجوی رشته عمران را به ضرب گلوله به قتل می رسانند.

دانشجویان دانشگاه تهران با تهاجم به یک اتومبیل گشت نهی از منکر، ۱۲ زن را که توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند آزاد می کنند. رژیم جنایتکار و خونریز اسلامی در نقاط مختلف تهران زره پوش و در برخی مناطق مانند سه راه خانی آباد در نزدیکی خزانه، واحدهای تانک مستقر می نماید.

در نازی آباد تهران مردم دست به تظاهرات می زنند که تعداد زیادی از زنان شرکت کننده در تظاهرات، توسط مزدوران نیروی انتظامی و چماقداران انصار حزب الله، به شدت زخمی می شوند. رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش دانشجویی و مردم تهران توسط مزدوران خود یک ضد تظاهرات به راه می اندازد و برای جلب هر چه بیشتر مزدوران و اراذل و اوباش به شرکت در تظاهرات حکومتی، در رستورانهای اطراف میدان انقلاب و دانشگاه، غذای مجانی می داد. رژیم سیاهی لشکرها را با اتوبوس های

کارخانجات صنایع دفاع و دیگر ارگان هایش، به خیابان انقلاب می آورد و آنجا تخلیه می کرد. دبیر شورا عالی امنیت ملی گفت در مورد سرکوب تظاهر کنندگان، هیچ اختلاف نظری بین خامنه ای و خاتمی وجود ندارد و دستگیر شدگان بی تردید اعدام می شوند، این حوادث زمینه را برای پالایش جدید انقلاب ما و نظم ما به وجود آورد. آیت الله روحانی نایب رئیس مجلس اعلام می کند با دستگیر شدگان قیام تیر ماه ۷۸ بعنوان محارب برخورد خواهد شد.

به دستور شورای عالی امنیت ملی، مزدوران ناحیه انتظامی تهران بزرگ موظف شدند برای کلیه دستگیر شدگان جنبش دانشجویی تیر ماه ۷۸، پرونده اراذل و اوباش دارای سوابق کیفری و دارای جرایمی چون اعتیاد و حمل و فروش مواد مخدر و سرقت از اماکن و سرقت های مسلحانه و هتک نوامیس و جعل و اخاذی، تشکیل بدهند.

در آذربایجان، مزدور ملاحسنی امام جمعه جنایتکار ارومیه در حالی که مسلسل بر دوش آویخته بود، می گوید نباید اجازه می دادید دانشجویان جمع شوند، من با آن مخالف کسانی که تهییج می کنند، باید دست راست و پای چپ و یا دست چپ و پای راست آنها قطع شود به ما خشونت گرا می گویند ما آنها را اعدام می کنیم، من خودم با مسلسل حاضرم این کار را بکنم، به چشم او خواهم زد، به خدا تیرم به خطا نرفته است ما را خشونت گرا می گویند.

رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی نیروهای مختلفی را برای سرکوب دانشجویان فرستاد که از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

مزدوران چماقدار انصار حزب الله به سرپرستی ده نمکی، مزدوران نیروی انتظامی ناحیه تهران بزرگ به فرماندهی سرتیپ پاسدار لطفیان، گارد ویژه ضد شورش به سرپرستی مزدور پاسدار نقدی و همراهی سرتیپ

پاسدار علی ذوالقدر و سردار احمدی، این نیروها برای سرکوبی دانشجویان اعزام شدند و ضمن پرتاب گاز اشک آور، با باتوم و چماق و پینجه بوکس و کابل و قنداق تفنگ، دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و برخی از آن ها را از پنجره های خوابگاه (با گفتن یا حسین از ما بپذیر) به پایین پرتاب می کردند.

۱۸ تیر ۷۸ نقطه عطفی در مبارزات جنبش دانشجویی بعد از انقلاب ۵۷ در ایران به شمار می رود. شرایط ایجاد شده به گونه ای بود که امپریالیسم و کشورهای غربی حامی حکومت و خود رژیم دست نشانده جمهوری اسلامی ایران را در شوک سیاسی، و از طرفی نیروهای اپوزیسیون را نیز در موقعیتی آزمون شده و حساس قرار داد.

هر چند رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی اعلام کرد که تنها یک نفر در درگیریهای تیر ماه ۷۸ جان باخته است، اما منابع دیگر از کشته و زخمی شدن تعداد بسیار بیشتری از دانشجویان و مردم خبر می دادند.

روز ۱۹ تیر ماه ۷۸ روزنامه های صبح رژیم در تهران، تیتیر نخست خود را به حوادث کوی دانشگاه اختصاص دادند و احزاب سیاسی اپوزیسیون نیز با صدور بیانیه هایی، حمله به کوی دانشگاه را محکوم نموده و تحلیل های مختلفی در این ارتباط ارائه نمودند.

برخی از گروه های سیاسی وابسته به امپریالیسم و کشورهای غربی خواستار این بودند که دانشجویان به اعتراضات خود پایان دهند و این حرکت به انحراف کشانده شود، که از آن جمله، تشکیلات موسوم به تحکیم وحدت بود.

برخی شعارهای به کار برده شده بر علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی در قیام ۱۸ تیر ماه ۷۸ توسط دانشجویان و مردم آزاده ایران به شرح زیر می باشد:

خامنه ای حیا کن سلطنت را رها کن،

### ادامه پیام به شهناز مرتب مسئول فدراسیون... از صفحه ۱

چرا باید يك پناهنده سیاسی دریکی از کشورهای مهم و متعهد به کنوانسیون ژنو به این شکل به زندگی خود پایان میدهد؟

دوستان عزیز: دولت محلی ایالت بایرن نمی خواست کسی در اعتراض به خودکشی محمد رهسپار حساسیت نشان دهد و سر و صدایی در آلمان بلند شود. اما شما ساکت نماندید و دلیل مرگ دلخراش او را به جامعه آلمان رسانیدید. اقدام شما باعث شد بار دیگر توجه جامعه را به فلاکت و بی حقوقی پناهندگان در هایم ورتسبرگ و همه جای آلمان جلب کنید. به همین دلیل حرکت شما و خواسته هایی که شما مطرح کرده اید شایسته گرمترین حمایت و پشتیبانی سیاسی و اجتماعی است. دولتهای غربی ساهاست عملا از تعلق و پایبندی خود به مفاد کنوانسیون حقوق

پناهندگی فاصله گرفته اند. اما با وجود تمام این محدودیتها هنوز کیس متقاضیان پناهندگی بر مبنای سند کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ بطور شخصی بررسی میشود. تا آنجایی که به دلایل متقاضیان پناهندگی از ایران بر میگردد اگر کیس های آنها بطور عادلانه و بر مبنای سند مبنا بررسی شود مفاد همین سند شامل پذیرش هشتاد درصد از متقاضیان پناهندگی از ایران می شود. هدف من از اشاره به سند مرجع سازمان ملل این است که بگویم دولتهای غربی عملا این سند را بعنوان سند مبنای پذیرش پناهندگان و دفاع از حقوق اولیه آنها زیر پا گذاشته اند و ما در این دوران باید بسیار سفت و سخت از آن دفاع کنیم. مبنای عملی دفاع از آن سند برای متقاضیان پناهندگی تنها با فعالیت سیاسی و سازمان یافته تکمیل می شود. پناهجویان باید برای دفاع از حقوق پناهندگیشان در هر کمپ و شهر و کشوری که اسکان پیدا

می کنند با صدای بلند علیه جنایت و سرکوب در جمهوری اسلامی فعالیت کنند و از حقوق پناهندگی خود دفاع کنند. به این معنی متقاضیان پناهندگی باید پاسخ جنبه های حقوقی را با فعالیت سیاسی و مبارزه علیه نظام و قوانینی که از آن گریخته اند بدهند. مبارزه ای که شما از ۱۹ ماه مارس در ورتسبرگ آلمان شروع کرده اید تکمیل کننده آن جنبه های حقوقی است که مقامات امور پناهندگان در دفاتر سازمان ملل و دولتهای غربی در مقابل متقاضیان پناهندگی قرار می دهند. حرکت شما نشان داد زمینه های زیادی برای اعتراض به سیاست دولت محلی بایرن در میان مردم و در میان سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی و حتی برخی از احزاب و نهاد های دولتی و غیر دولتی وجود داشت و فقط کافی بود کسی از جایی آن را شروع کند. حرکتی که بارها در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در مورد آن صحبت شده بود. انعکاس

حرکت شما در این وسعت قابل پیش بینی بود. قابل پیش بینی بود برای اینکه آلمان همیشه مرکز تحولات پناهندگی در سطح اروپا بوده به همین دلیل خیلی زود مورد توجه رسانه های داخلی آن کشور قرار می گیرد. در جلسه ای که قبل از شروع تحصن برگزار کردیم پیش بینی کرده بودیم که اگر این حرکت شروع شود مردم حمایت میکنند و با در اختیار گذاشتن امکانات زیاد به پناهجویان متحصن کمک خواهند کرد. باید جهت ما این باشد که این مبارزه را در همه جای آلمان گسترش دهیم. منظور من از گسترش این مبارزه الزاما این نیست که در همه جای آلمان دست به اعتصاب غذا بزنند. به نظر من روش اعتصاب غذا نباید به روش معمول مبارزه برای گرفتن حق پناهندگی تبدیل شود و هرجا هم صورت بگیرد باید به صورت کوتاه مدت و سمبلیک از آن استفاده شود. پیام من به دیگر پناهجویان در آلمان این است که به هر شکلی که می توانند درهایما و

### ادامه خامنه ای و امتداد... از صفحه ۱۱

خامنه ای پینوشه ایران شیلی نمیشه، ۱۸ تیر امسال ۱۶ آذر ماست، ای ملت با غیرت حمایت حمایت هموطن هموطن حمایت حمایت، توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد، وای به روزی که مسلح شویم، آزادی استقلال، به مادرم بگویید دیگر فرزند ندارد،

انصار جنایت می کند رهبر حمایت می کند، ما دولت زور نمی خواهیم پلیس مزدور نمی خواهیم، مرگ بر خامنه ای، نیروی انتظامی ننگ باد، علی فلاحیان سردسته جانیمان اعدام باید گردد. خامنه ای جلال در سخنرانی اش دانشجویان را فرزند خود خواند و به دروغ گفت که قلبش از این اتفاق جریحه دار شده است، در حالی که در مورد کشتار دهه ۶۰ (در زمان رئیس جمهوری) به هنگام سخنرانی

در بین دانشجویان گفته بود: مگر ما مجازات اعدام را لغو کردیم، نه ما در جمهوری اسلامی مجازات اعدام را داریم برای کسانی که مستحق اعدامند، این آدمی که تو زندان از داخل زندان با حرکت منافقین که حمله مسلحانه کردند به داخل مرزهای جمهوری اسلامی ارتباط دارد و او را به نظر شما باید برایش نقل و نیا برد اگر ارتباطش با آن دستگاه مشخص شده باید چه کارش کرد او

محکوم به اعدام است و اعدامش هم می کنیم با این مسئله شوخی که نمی کنیم. دو سال پس از حمله به کوی دانشگاه، قوه قضاییه رژیم، همه نیروی هایی را که در تهاجم به دانشجویان و مردم و کوی دانشگاه شرکت داشتند، تبرئه کرد و فقط يك سرباز ساده به نام ارورجلی ببرزاده را به خاطر دزدیدن يك دستگاه ریش تراش محکوم نمود. این در حالی بود که علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از دانشجویان

### ادامه عید واقعی مردم ایران از صفحه ۱

با شنیدن اسم عید خوشحال شود. در چند ماه اخیر مواد غذایی مثل گوشت و مرغ با افزایش حدود ۴۰ درصدی، دیگر از سبد غذایی کارگران و کارمندان ساده خارج شده است. حال اینکه این افزایش قیمت در تمامی اقلام دیده می شود. در اسفند امسال قیمت پوشاک نسبت به تاریخ مشابه در سال گذشته افزایشی حدود پنجاه درصدی داشته

است. دیگر يك کارگر با این وضعیت حتی قادر نیست یکدست لباس برای فرزند خود خریداری کند. امروز چشم حسرت کودکان این قشر جامعه به ورتسبرگ مغازه ها است. این تازه تمام فاجعه نیست. عده زیادی از کارگران در چند ماه گذشته بیکار شده اند. تورم و گرانی غیر قابل کنترل، حتی خود مزدوران حکومتی را وادار به اقرار کرده است. خبرگزاری مجلس ایران شنبه ۱۳ اسفند در تازه ترین گزارش خود آورده است. "امسال شاهد گرانی بسیار شدید و دور از انتظار کالاها و اقلام اساسی هستیم، بطوری که

در این زمینه نگرانی های عمیقی برای مردم بوجود آمده است، در این میان قشر متوسط و ضعیف جامعه برای تامین مایحتاج عید نوروز دچار مشکل شده اند". البته خود این مزدوران کاملاً می دانند که فاجعه خیلی عمیق تر از این است. خیلی از واحدهای تولیدی یا تعطیل شده است یا در حال تعطیلی هستند. سایه شوم بیکاری بر سر کارگران گسترده است و این نگرانی خود فضای پر از نگرانی و استرس را به کارگران تحمیل کرده است. کارگری که پاسخی برای خواسته

های حداقلی فرزندان خود ندارد نه تنها از آمدن نوروز خوشحال نمی شود بلکه عزادار هم می شود. هر چند وقت یکبار خبر اختلاس ها و دزدی های میلیاردری در رسانه های خود رژیم فاش می شود. تمامی شریان های اقتصادی کشور در انحصار خامنه ای و سپاه می باشد و آن وقت مردم از خرید يك كيلو گوشت عاجز هستند. حال علاوه بر بحران کمر شکن اقتصادی، حکومت با سیاست های جنگ طلبانه خود مردم را در خطر بروز يك جنگ بزرگ و تجاوز دول غربی قرار

داده است حکومت ایران خود را در سرانیشی سقوط قرار داده است. دیری نمی پاید که مردم، جمهوری اسلامی را با آتشی که خود افروخته نابود می کند و برگ آخزندگی خامنه ای و دیگر سران و عوامل این حکومت منفور را ورق خواهند زد.

آن روز برای مردم عید است. آن روز تمامی خاطرات گذشته تجدید خواهد شد و دوباره شور زندگی به مردم بر خواهد گشت. عید واقعی مردم ایران روز نابودی دیکتاتور است.